

بحث ما در مورد حق لسان بود، گفتیم چرا امام سجاد(ع) لسان را مقدم به ذکر کرد و حقوقی که برای لسان قرار داده شده، چند حق است. اولی، «اکرامه عن الخنا»، یعنی بزرگداشت و گرامیداشت زبان از بدگویی. دوم، «و تعویده الخیر» عادت دادن زبان به خیر؛ این از حقوق زبان است.

### حق سوم زبان

«و حمله علی الادب»، این یکی از حقوق زبان است. منظور از حمل اللسان علی الادب یعنی چه؟ یعنی تربیت زبان، پرورش دادن زبان، یعنی این عضو به عنوان یکی از مهم‌ترین اعضا که ویتترین شخصیت انسان است و بدن برای کارهایی که می‌خواهد انجام دهد، به آن احتیاج دارد. این زبان عجیب است. محوری‌ترین عضو انسان و پرکارترین، با مسئولیت‌ترین و خطرناک‌ترین؛ لذا حق این عضو آن است که آن را ادب کنی. «حمله علی الادب» یعنی پرورش دادن زبان، تربیت کردن زبان؛ این غیر از دو حق قبلی است. این حقوق ممکن است با هم در یک جهاتی تداخل هم داشته‌اند اما مهم این است که وقتی ما این را به عنوان یک حق ذکر می‌کنیم، یعنی یک مسئولیتی که انسان راجع به خصوص این عضو دارد؛ باز داشتن زبان از بدی یا عادت دادن به خیر، اینها کارهایی است که انسان در رابطه با زبان انجام می‌دهد، ولی اینها مراتب مختلف دارد. ممکن است بعضی اصلی و فرعی باشد ولی بالاخره پرورش دادن زبان، تربیت زبان یک کار مهم است. زبان را باید تربیت کرد؛ این حق زبان بر انسان است. اینکه انسان زبان را تربیت کند، یعنی زبان تربیت پذیر است، کنترل پذیر است. می‌شود این را هدایت کرد؛ چطور تربیت کنیم؟ از آثار تربیت زبان این است که ادب گفتگو و ادب سخن داشته باشد.

برای اینکه معلوم شود که این اساساً یک حقی غیر از آن دو حقی است که تا به حال گفتیم، یک اشاره گذرا و اجمالی می‌کنم به تعبیراتی که قرآن کریم درباره زبان به کار برده است و توصیه‌هایی که به حسب شرایط و مواضع مختلف برای زبان داشته است.

۱. یک جا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»<sup>۱</sup> یعنی قول درست، سخن درست و استوار. قول سدید داشته باشید؛ اینها مصادیق تربیت زبانی است.

۲. یک جا تعبیر می‌کند به قول میسور<sup>۲</sup>؛ اگر بخواهم یک مصداق واضح و روشن قول میسور را بگویم، نه اینکه منحصر در این باشد، این است که با سخن باز، رضایت آمیز سخن بگوید. یعنی با دیگران وقتی سخن می‌گویید حتی اگر با هم هم نظر نیستید، حتی اگر او یک خواهسته‌ای دارد و شما نمی‌توانید آن خواهسته را برآورده کنید، اما با سخن محبت‌آمیز و سخنی که از آن رنجش و نارضایتی و کدورت ایجاد نشود، اینطور سخن بگویید. ولو با حرف و رفتار کار کسی موافق نیست، مگر باید یک جوری حرف بزنند که دیگران را آزار بدهد؟

۳. در یک تعبیری دارد قول لین<sup>۳</sup> که خطاب به حضرت موسی می‌فرماید برو به فرعون و با قول لین با او سخن بگو. منتهی در مرتبه اولی این توصیه شده؛ اول با قول نرم با او سخن بگو. اگر در مقابل یک طاغی مثل فرعون می‌بینیم دستور داده شده به

۱. سوره احزاب، آیه ۷۰.

۲. سوره نساء، آیه ۵.

۳. سوره طه، آیه ۴۴.

قول لین با او سخن بگو، این برای زمانی است که دعوت می‌کند نه اینکه تا آخر، وقتی که او خشونت کلامی دارد یا مواجهه خونین دارد شما هم باز با قول لین با او حرف بزنید، این مبنای گفتگو با دیگران است، با قول نرم سخن گفتن نه قول سخت.

۴. یک جایی تعبیر به قول معروف<sup>۴</sup> دارد، یعنی یک سخن شایسته، سخن پسندیده.

۵. یک جا تعبیر به قول بلیغ<sup>۵</sup> دارد، یعنی انسان به گونه‌ای سخن بگوید که شرایط و مقتضیات را در نظر بگیرد، مطابق با مقتضای حال سخن بگوید. اگر بلاغت را به آن معنا در نظر بگیریم، یعنی بالاخره سخن گفتن از نظر شکل و شمایل هم باید درست باشد، نه اینکه به هرکسی می‌رسد شاعرانه حرف بزند، یعنی سخن باید از الفاظی تشکیل شده باشد که الفاظ زیبا، پسندیده و رسا و متناسب با وضع مخاطب.

۶. یک جایی تعبیر دارد به قول کریم؟<sup>۶</sup> قول کریم یعنی قولی که همراه با کرامت و تکریم و بزرگواری و تواضع است. قول کریم یک چنین قولی است.

۷. در یک آیه‌ای تعبیر دارد «قولوا للناس حسنا»<sup>۷</sup> خوب سخن گفتن، خوب سخن بگوئید؛ این زبان را باید در این مسیر قرار داد.

۸. در یک جایی تعبیر به عدالت در قول دارد، «إذا قلمت فعدلوا»<sup>۸</sup> این می‌تواند برای بعد از قول باشد یا در خود قول باشد. آدم در سخن گفتن عدالت به خرج بدهد؛ خدای نکرده حق کسی را تضییع نکند، سخنی نگوید که ظلم باشد.

البته بعضی از اینها همان مواردی است که در گذشته اشاره کردیم؛ یعنی «اکرامه عن الخنا» یا «تعویده علی الخیر»، اما بعضی از اینها مستقل از آن مواردی است که گفتیم. اینکه می‌فرماید «و حمله علی الادب» یعنی در واقع خداوند متعال می‌خواهد بفرماید این زبان را تربیت کنید، پرورش دهید، باید بدانید مسئولیت پرورش زبان به عهده شماست؛ این زبان یک موجود بسیار مهم و با ظرفیت است، اگر رها شود و تربیت نشود، انسان را بیچاره می‌کند، اگر درست تربیت شود، مایه فخر و افتخار انسان است. دقیقاً مثل یک فرزند؛ شما اگر فرزند را به حال خودش رها کنید، هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، یا فرزند را زیر نظر و تربیت قرار دهید، آنگونه که می‌خواهید بزرگ شود، خیلی بین اینها فرق می‌کند. این حق زبان بر ماست؛ این یکی از حقوق مهم زبان بر ماست که ما آن را تربیت کنیم و پرورش دهیم. اگر ما این مسئولیت را در خودمان بشناسیم و بدانیم که باید این عضو اساسی و رئیسی بدن را تربیت کنیم، آن وقت به مرور افسارش تحت کنترل انسان قرار می‌گیرد. ولی اگر تربیت نشود، مثل یک حیوان وحشی سرکشی و طغیان می‌کند و از اختیار و کنترل انسان خارج می‌شود. بعضی‌ها را دیده‌اید که در سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی یک الفاظ و واژه‌هایی از کوچکی در ذهن آنها بوده، عادت دارند به فحش دادن، عادت دارند به نیش زدن به دیگران، عادت دارند به متلک انداختن به دیگران، عادت به غیبت و دروغ دارند. اگر انسان به این سنین برسد، دیگر نمی‌تواند این را رام کند. این عضو اگر تربیت نشود، هر روز وحشی‌تر می‌شود و دیگر امکان رام کردن آن وجود ندارد. ما هم این عضو

۴. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۵. سوره نساء، آیه ۶۳.

۶. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۷. سوره بقره، آیه ۸۳.

۸. سوره انعام، آیه ۱۵۲.

را به امان خدا رها کرده‌ایم و هرگونه که بخواهد ما را این طرف و آن طرف می‌کشانند. خدا عاقبت ما را بخیر کند.

«والحمد لله رب العالمین»